

- ۴
عمود می‌پرد
پرنده‌ای
که آشیان خود را
در آتش جا گذاشته‌ست
ارتفاع
از ارتفاع
می‌افتد
- ۱
هر کلمه
آغاز هجرتی ست
از من
به تو.
- ۲
در خانه
بر تخت خواب
ستاره‌ی سردی
جا مانده بود
در آسمان
پرنده به دنبال او.
- ۳
از هر چه هست
پناه می‌برم
به هر چه نیست.
- ۷
آن قدر می‌میرم
که گلی بر مزارم بگذاری
آن گاه
از بوی گل
زنده خواهم شد!
- ۸
در ظلمت بدن
ناگاه نقطه‌ای روشن:
بوسه‌ای!
- ۵
از ابتدای واژه
تا حرف آخر آن
به قدر فاصله‌ی من و تو
فاصله ست.
- ۶
سقوطی می‌کنم
این بار
که زیر پایم نیز
مثل بالایم
آسمان است.
- ۹
تقدیر نیست
بوی تن توست
همین!
- ۱۰
پریدن گنجشک
از لب دیوار
برای تو یک لحظه بود
برای من
یک عمر.